



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

اعمال ، متن قوانین - تصویبنامهها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی  
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامهها - بختنامهها - آگهی های رسمی و قانونی - سوالات

شماره تلفن : ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

شنبه ۹ بهمن ماه ۱۳۲۷

پیر: سید محمد هاشمی

سال چهارم - شماره ۱۱۵۲

صفحه ۳۹۲۸

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - صورت مشروح مذاکرات مجلس صدوسی و هفتمین جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۱۰
- ۲ - آگهی های رسمی ۱۱

آقای عباس اسکندری راجع به پیش آمدروز شنبه در محوطه مجلس نسبت با آقای مهندس رضوی اظهار تأسف نمودند و از اقدامات ریاست مجلس در تعقیب مرتکب سیاستگزاری کردند.

سیس دنباله بیانات جلسه پیش بموضوع جنک ۱۹۱۴ اشاره نموده گفتند پیش آمد آن برای ملت ایران اسباب خوشوقتی بود که حکومت ترارها فرو ریخت و انقلاب اکبر قیودی که بدست و پای ملت ایران پیچیده بود از بین برد همچنین پیش آمد جنک اخیر موجب شد که مشروطیت تعطیل شده بعد از کودتا تجدید شود و بعد با اشاره بنظامنامه جدید و تعدید مدت نطق نمایندگان گفتند چنین تشخیص داده شده است که بساط امروز ما مانع منافع دیگران است و بدینوسیله ممکن است مصلحت قانونگزاری تعطیل شود.

درینجا آقای اسکندری سیاست عمومی دولت اشاره کرده گفتند دولتانی بوجود می آیند که امتحان خود را مکرر داده اند و در طی چهل سال آزمودیم که تغییر لباس و صندلی و اسم تشکیلات ناقص مملکت را اصلاح نکرده و هیچیک از برنامه دولتها صورت عمل بخود نگرفته است و ضمن تشریح سیاست عمومی دولت بساختمانهای مجدل و گرانقیمت بانک ملی و پیشنهاد نشر دوست میلیون اسکناس بدون تصمیم و توافق قبلی دولت همچنین بنای کاخ داد گسترگی که از کان اساسی آن ناقص است و عدالتی در آن نیست اشاره و اظهار عقیده نمودند که موقعیت جغرافیائی ما حکم میکند برای اصلاح وضع مملکت سیاست

قانونگذاری دوره یازدهم

شماره مسلسل ۱۶۶۵

## مذاکرات مجلس

جلسه ۱۳۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۴ شنبه پنجم بهمن ماه ۱۳۲۷

فهرست مطالب :

- ۱ - قرائت صورت مجلس
- ۲ - قرائت نامه تقدیمی آقای حائری زاده با مضای عمده زیادی از افراد راجع بانقضای مدت امتیاز بانک شاهی .
- ۳ - بقیه استیضاح آقای عباس اسکندری
- ۴ - موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه

مجلس یکساعت و پنج دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید .

۱ - قرائت صورت مجلس

صورت مجلس جلسه قبل را آقای فولادوند ( منشی ) بشرح زیر قرائت نمودند

دیر آمدگان با اجازه - آقایان : دکتر طباطبائی - دکتر آشتیانی - مسعود ثابتی .  
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر اعتبارزاده - آقاخان - محمد علی مسعودی - خسرو هدایت - امیر تیمور - شهاب خسروانی - دکتر مصباح زاده - دکتر امینی - مشایخی - هلی و کبلی - گلبدادی .

آقای مکی در تعقیب بیانات جلسه پیش راجع بامیر کبیر تقاضا نمودند که از طرف دولت وسائل یادبود رسمی فراهم شود و یکی از خیابانهای بزرگ پایتخت نیز بنام امیر کبیر اختصاص یابد .  
آقای حائری زاده نامه ای که راجع بانقضای مدت امتیاز بانک شاهی وسیله ایشان بمجلس شورای ملی نگاشته شده بود تقدیم داشتند .

چهل دقیقه بظهر روز یکشنبه سوم بهمن مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل و صورت جلسه پیش قرائت گردید .  
اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :  
غائبین با اجازه - آقایان : آشتیانی زاده - حسن اکبر - هامری - اورنگ - دکتر مظفری - هلی - اقبال - عبدالرحمن فرامرزی - حسین و کبلی - صاحبزادگان - باقانی - باقانی بی اجازه - آقایان : بیات - دکتر بقائی - تولیت - سلطانی - اخوان - منصف - ابوالقاسم بهبهانی - ابوالحسن رضوی - آصف - ناصری - بهار - بهمن - اسفندیاری - قهرمان .

● مین مذاکرات مشروح یکصدوسی و هفتمین جلسه از یازدهمین دوره قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

موازنه را با احترام متقابل رعایت کنیم چه گفته اند ، ( مباحثه رو که گذرگاه هایت تنگ است ) و در این کشمکش جهانی و وضع آشفته دنیا بارهاستقلال سیاسی و اقتصادی کشور و حسن تفاهم کامل با نخست وزیر فعلی اتحاد جماهیر شوروی قضایای معوقه بین دو کشور حل و عقد شود و بین اصول سرمایه داری و رژیم شوروی ما وضعت خود را حفظ کنیم سپس در موضوع نفت بکتاب جنگ مغنی برای نفت و قتل مازود امیری در ایران و کشمکش های گوناگون دیگر در سایر نقاط اشاره نموده گفتند بهر صورت ما باید قیمت واقعی نفت خودمان را دریات کنیم و درین مورد محض استناد بمواد قرارداد نفت از اینکه موارد نقض وابطال آن را نشان دهند بنطق آقای تقی زاده در جلسه پنجشنبه دهم آذر ۱۳۱۷ اشاره و قسمتی از آن را قرائت نموده گفتند امتیاز قدیم لغو شد ولی امتیاز جدیدی وجود ندارد زیرا مجلسی که باید آن را تصویب کند در آن موقع تعطیل بود .

آقای دکتر طباطبائی تقدیم پیشنهاد تنفس از پیش آمد روز قبل نسبت با آقای مهندس رضوی اظهار تأسف نمودند .

و آقای رئیس بیان داشتند که این حادثه باعث تأثر عموم نمایندگان محترم بوده و بعضی وصول گزارش سرهنگ برخوردار نوقیف شده و امروز با پرونده امر بدادستانی تسلیم گردیده است که تعقیب و مجازات شود .

آقای عباس اسکندری در تشریح مواد و موارد نقض قرار داد و توضیح حقوق ایران بشهرجات لندن نیز اشاره نموده گفتند چون نوشته اند سه میلیون لیره برای انجام این قرار داد داده اند خود دلیل مغدوش بودن آنست بالاخص که بیک دولت خارجی در ایران نمیتوان امتیاز داد ملت ایران راضی نیست آقای نخست وزیر هم راضی نباشند سپس با اشاره بمواد ۱۱ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۶ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ شرحی ایراد نموده در قسمت کارگران نیز گفتند آنها هم مانند حیوانات درلانه هائی مسکن کرده اند .

بعد در وصف احوال فراماسونها و تشکیلات و عملیات آنها در هند و ایران وارد صحبت شدند . یکساعت بعد ازظهر مجلس خاتمه یافت و بصبح روز سه شنبه موقوف گردید .

رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری نیست ؟ ( اظهاری نشد ) بعد تصویب میشود

**۴ - قرائت نامه تقدیمی آقای حائری زاده بامضای عده زیادی از افراد راجع بانقضای امتیاز بانك شاهي**

رئیس - بر طبق ماده ۱۰۴ آقای حائری زاده يك مطلبی را باطلاع مجلس میخوانند برسانند نامه ایست بر طبق ماده ۱۰۴ فقط قرائت میشود برای اطلاع آقایان ( شرح زیر قرائت گردید )

سی ام آذر ۱۳۲۷ ساعت مقدس مجلس شورای ملی شصت سال قبل زمانی که ظلمت استبداد سراسر کشور ما را فرا گرفته و پدران ما در زمین سرنوشت خود و کشور خود کمترین سهمی نداشتند هنگامیکه ملل استعمار طلب بیگانه مبین مزیز ما را میدان تاخت و تاز سیاستهای شوم وزیران آور خود قرار

داده هر روز بنوعی وبه بهانه های در امور داخلی ما مداخله مینمودند و زمامداران لایق و فاسد ما با بیروی از سیاست تسلیم و مدارا در میدان سیاست بین المللی هر روز از سنگری بسنگر دیگر عقب نشینی میکردند و بالاخره موفقیکه پادشاهی هاش و فاسد و بی اعتماد به صالح ملک و ملت در ایران حکومت میکرد امتیاز برای مدت شصت سال بیکی از اتباع انگلستان بنام «بارون ژولوس دوروتیر» داده شد که حتی تصدیق نویسندهگان انگلستان بدانوسیله سند رفیت و بردگی ایرانیان بامضای رسید از این امتیاز بانك شاهنشاهی بوجود آمد و این مؤسسه بیگانه برای مدت چهل و دو سال برخلاف هر اصل و منطق مالی و اقتصادی انحصار صدور اسکناس را در این کشور در دست داشت تا اینکه بالاخره این حق در سال ۱۳۰۹ با پرداخت دیوشت هزار لیره انگلیسی از آن منتزع و بیبانك ملی ایران واگذار شد . فجایی که این بانك در مدت شصت سال در این کشور مرتکب شده ، منافع سرشاری که این مؤسسه بیگانه در این مدت از کشور فقیر ما خارج ساخته ، دخالتها بیگانه این بنگاه صرافانی در امور اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی ما نموده و زیانها بیگانه این عامل اجرای سیاست خارجی بکاخ آزادی و استقلال ملت ایران وارد آورده هر يك داستانی دارد که کم و بیش بر افراد روشنفکر و مبین پرست ایران آشکار و مبرهن میباشد پس از شصت سال عمل در ایران اکنون هر این امتیاز شوم بر سر آمده و این بانك باید طبق مواد امتیاز نامه کلیه موسسات خود را برچیده و استقلال یولی و اقتصادی را که مدت شصت سال از ملت ایران سلب نموده باز دیگر بملت ایران بازگرداند . امروز پیش از هر روز وجود این بانك استقلال یولی و اقتصادی ما را مورد تهدید قرار میدهد بطوریکه با وجود این موسسه خارجی در ایران استقلال یولی و مالی معنی ندارد و وجود بانك شاهنشاهی در میدان اقتصادیات ایران با اختیارات کنونی به یادگان نظامی خارجی میماند که هر آن نمیتواند استقلال اقتصادی ما را از درون کشور مورد تهدید قرار دهد . با وجود بانك شاهنشاهی در ایران بانك ملی ایران نمیتواند بر بازار پول و سرمایه ایران تسلط داشته برنامه های اصلاحی ، عمرانی و اقتصادی را بنحو آنها و کامل بپورداجره گذارد بانك شاهنشاهی مدعی است که اکنون که هر امتیاز آن بر سر آمده نمیتواند مانند موسسات بازرگانی بیگانه در مملکت ما بقالیات های خود ادامه داده و مانند بنگاههای خارجی تابع قوانین کلی کشور باشد در صورتیکه بانك خود بهتر از هر کس میداند که در هیچ کشوری بانكها با موسسات دادی بازرگانی در یک ردیف قرار گرفته و در کشورهای آزاد و مستقل بانكهای بیگانه تابع قوانینی میباشد که فعالیت آنها را فوق العاده محدود بسازد در مملکتی که افراد آن خرومان استقلال یولی و اقتصادی میباشد هرگز بیبانكهای بیگانه اجازه داده نمی شود که در شهرهای مختلف آن کشور شعبات جداگانه بوجود آورده به قبول سیرده از اشخاص . اعطای وام ببازرگانان و صنمترکان و دخول در معاملات ارزی پرداخته و بدینوسیله تسلط بانك مرکزی را بر بازار پول و سرمایه آن ممالک ضعیف و بلااثر گردانند . در انگلستان - در آمریکا - در فرانسه و بالاخره در هیچ کشور آزاد و مستقلی بانكهای بیگانه نمیتوانند با اختیارات کنونی بانك شاهنشاهی بعمل پردازند

تاکنون ملت ایران بملت اعطای امتیاز شصت ساله در دوره تاریک استبداد معسوم به تحمل مداخلات نا مشروع این بانك در امور داخلی ، اقتصادی و بازرگانی مملکت خود بود لکن اکنون که هر این امتیاز بر سر آمده هیچ دلیل اقتصادی و منطقی وجود ندارد که ما در برابر اقدامات و تهدیدات این بانك خاموش نشسته و برخلاف کلیه کشورهای آزاد و مستقل دنیا باین بانك بیگانه آزادی عمل دهیم ؟ وظیفه بانك شاهنشاهی باید فقط و فقط تسهیل امور بازرگانی مابین ایران و انگلستان باشد و بر این بانك باید از قبول سیرده بطور کلی ، اعطای وام ، داشتن شعبات در شهرهای ایران و خرید و فروش ارزهای خارجی مانند کلیه کشورهای دنیا محروم گردد بقیده ما چون بانك ملی ایران برخلاف بانك های مرکزی آمریکا و انگلستان هنوز در مراحل صیارت بسر میبرد و نیازمند تقویت می باشد باید بطور کلی از عمل بانكهای بیگانه در ایران جلوگیری نمود . در هر کشوری برای حفظ صنایع و مؤسسات ملی قوانین مخصوصی وضع و بپورداجره گذارده می شود . عوارض سنگین گمرکی و گاه منع ورود کالاهای بیگانه وسائل لازم جهت وصول باین هدف مقدس ملی میباشد . دلیل ندارد که بانكها که در اقتصاد مملکت همدار هم ترین و حساس ترین نقشها میباشد از این روش کلی مستثنی باشند . آقایان نمایندگان . امروز که صرامتیاز بانك شاهنشاهی بر سر آمده و ملت ایران فرصت مناسبی جهت بدست آوردن استقلال یولی و اقتصادی خود بدست آورده است . ما بنام ملت ایران توجه شما را بستیولت و وظیفه ای که بعهده دارید معطوف داشته و انتظار داریم که برای حفظ استقلال یولی و اقتصادی ایران بتصویب قانون لازم جهت محدود ساختن عملیات بانكهای بیگانه در ایران بپردازید . امروز روز عمل و کوشش شما است کاری نکنید که نام شما در تاریخ ایران بخیانت ، بی ارادگی و هدم توجه بصالح ملک و ملت ثبت شود . ما از نقطه نظر لزوم تقویت بانك ملی ایران معتقدیم که بانكهای بیگانه باید در ایران طبق قانون معین و مشخصی عمل نمایند و با آنها باید بهمان طریق عمل شود که کشورهای دیگر با بانكهای بیگانه رفتار مینمایند یعنی این بانكها باید حداقل از قبول سیرده ، اعطای وام در ایران ، افتتاح شعبات در شهر های کشور و خرید و فروش ارز های خارجی محروم گردند .

**فولادوند** - بامضای جمع زیادی .  
**دهقان** - چند تایش را بخوانید  
**فولادوند** - یکی نیست صد تا بیشتر است امضاء آقای نریمان يك امضاء اول هست کم نمی توانم بخوانم . دانشور ، دکتر مسعود کبهان ، دکتر جزائری ، مهدی کامکار ، مهندس رفعتی  
**رئیس** - خوب امضای خیلی زیادی است ، يك عده از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند  
**بعضی از نمایندگان** - دستور ، دستور  
**دهقان** - بسیار جالب توجه است  
**رئیس** - موافق هستند آقایان ؟ ( جمعی از نمایندگان - خیر آقا دستور ، دستور ) بسیار خوب آقای عباس اسکندری بفرمائید

**۳ - بقیه استیضاح آقای عباس اسکندری**

**عباس اسکندری** - بنده قبل از شروع بدنباله استیضاح خود لازم میدانم بدون اینکه اسامی يك اشخاصی را ببرم که از من تقدیر و تشویق نموده اند از همه آنها سبک گذاری کنم ولی البته در قسمت جناب آقای دکتر مصدق مجبور هستم که بر سر مجلس شورای ملی برسانم و تشویقی که از بنده کردند از ایشان تشکر بکنم . ایشان بنده اینطور فرمودند که در موضوع آئین نامه من مشروطیت ایران را از خطر نجات دادم و همچنین با اظهار علاقه فرمودند این موضوعی که با این فداکاری تعقیب میشود بستگی بجات ملت ایران دارد ( نمایندگان صحیح است ) و بنده هم امیدوار هستم مردم نه نسبت بمن بلکه باید نسبت با آقای دکتر مصدق قدر دانی و تشویق بکنند و ایشان امروز بپوشای آزادی این مملکت اند و من هم آنچه که میگویم در حساب این استاد است ( مکی - بهین مناسبت ایشان در خانه نشسته اند و خانه نشینند ) در مجلس چهارم آنچه که ایشان از دستشان بر آمد مجاهده کردند ( مکی - صحیح است ) و خدمات ایشان منظور ملت ایران هست و بنده هم خوشنودم که این سنگر بالاخره يك پاسبان دارد و من امیدوار هستم که همه نمایندگان پاسبان سنگر آزادی و حقوق ملت ایران باشند ( مکی - انشاء الله ) در همین حال من از کسالتی که آقای نخست وزیر دارن مدعی بینم که با آقایان وزرائشان هم سرایت کرده است و جاهای آنها هم خالی است خیلی اظهار تأسف میکنم نگرانی بنده اینست که اگر امروز گفتار من تمام نشد یکدفعه می بینید که همه آقایان ناخوش میشوند و بنده میل دارم که امروز استیضاح را تمام بکنم چون به بد آقایان راضی نیستم و میل دارم اقلاً این چند نفر صحیح و سالم بمانند ( خنده نمایندگان ) وضعت بنده آقایان نمایندگان مثل همه آنهاست است که علاقه و میل دارند اگر از دستشان بر آید يك خدمتی بکنند با يك مختصر تفاوت و این تفاوت را در این دو بیتی که مربوط بسخن پرداز شیرین شریازی محافظ و جلال الدین رومی است عرض میکنم و این مختصر تفاوت را دارد در یکی از غزل های حافظ که البته نوی خانه همه هست و همه دیده اند حافظ میگوید که :  
الا باایها السانی ادر کاسا واولها  
که عشق آسان نبود اول ولی افتاد مشکلهای یعنی وارد شد بآن مرحله عشقی که داشت یعنی عشق وحدت یا هر چه شما تفسیر کنید ولی بعد دید عشق کار مشکل است عقب رفت ولی جلال الدین رومی میگوید :  
عشق از اول سرکش و خوبی بود  
تاگر بزد هر که بیرونی بود  
بنده میدانم نتیجه آنچه که میگویم با علم بتمام آن هواقتی که دارد تعقیب میکنم این را و مشکلی هم برایم نیست و عقب هم نیروم زندگی برای همین خوبست که آدم وظیفه خودش را انجام بدهد اما کراتی که در جلسه قبل ما سکردیم دلایل بررد قرارداد تمدیدی و تجدیدی بود از نظر حقوقی و بعد دلائلی را که در خود قرارداد بود ذکر میکردم بناسبتی مجبور شدم که تذکر بدهم تشکیلات وسیعی را که امپراطوری انگلستان در دنیا دارد و یکی از آنها هم برای کارهایی که در خاور میانه و مخصوصاً

ایران داشته است و بکار انداخته در يك قرن اخیر بلکه يك قرن و نیم اخیر صحبت میکردم و اورا جمع بفراماسون بود البته دلائلی که برای رد قرار داد در داخل قرارداد است بواسطه توضیح این مقال معوق و متوقف مانده که بعد باطلاع آقایان خواهم رساند تند نویسی مجلس هم بایستی دقت بکنند که تاریخها و مطالبی که گفته میشود آنها را اشتباه نکنند از برای اینکه يك وقتی صحبت عادی میکنیم این صحبت معمولی اگر اشتباه بشود اهمیت ندارد اما يك صحبتی که از ارتباط تاریخی دارد وقتی که اشتباه شد هم برای مجلس شورای ملی خوب نیست هم برای گوینده گفته میشود که يك چیزی همینطور بر معالجه گفته ، اینطور نیست بنده آنچه که اینجا عرض میکنم که اشاره بیک تاریخی میشود تمام اسنادش اینجا موجود است و هر کس هم میخواهد میتواند ببیند . بنده اینطور گفتم که در تاریخ ۱۷۲۷ اداره کشور کشائی انگلستان بنام فراماسون در پشت سر کبابی هند شرقی وارد هندوستان شد در ۱۷۲۷ در کلکته و آکر ۲۷۱ از و در بیست و هشت لژ در ۱۷۲۸ و در ۱۷۵۲ در مدرس ۲۰ لژ تأسیس گردید قدم اولی را که این برادران طریقت در قرون وسطی پیش می گرفتند برای این بود که واقعا مردم کمک بکنند اما در این زمان خواستند در طبقات عالی هندوستان . در پیش راجه ها مهاراجه ها بنام فراماسون اقدامات سیاسی راموفق شوند و آنها را بنوع دوستی تشویق کردند در نتیجه در ۱۷۵۲ آن آخرین قسمتی را که توانستند انجام دادند و از پشت سر این مردمان خیر و نیکوکار سایه مهیب و شیطان مستعمراتی انگلستان پدیدار شد و هندوستان برای يك قرن و نیم متجاوز در چنگال آنها بود که خوشبختانه روزگار جدید يك آثار و اماراتی نشان میدهد که شاید دست از گریبان آنها بردارند در ۱۸۰۰ همین کمیانی ، کمیانی فراماسون و کمیانی هند این دو تا ربابه همه جا با هم مترادف بدانیم و يك معنی دارد . اینها بایران آمدند در تهران و در اصفهان سه لژ تشکیل دادند چنانکه گفتیم ایران بواسطه موقعیت جغرافیائی و وضعیتی که در بار آن زمان داشت زیاد زمین حاصلخیزی نبود محصولی نگرفت ، در زمان سلطنت ناصرالدین شاه یکفکری وسیعتر شد باز جلو گیری شد تا اینکه منتهی شد به ۱۹۰۴ قبل از مشروطیت ایران در این اوان و در مشروطیت ایران توسعه زیادی پیدا کرد قبلاً باید بفهمیم که فراماسون چه چیز است ، اینها يك اصولی را تبعیت میکنند و با هم بستگی و صداقت و نهمی دارند که مطالبی که هست از هم پنهان نکنند و در هر کجای دنیا هستند تبعیت بکنند از رئیس خودشان مطابق هلالی که دارند هر کس و اهل هر کشوری باشند فرق نمیکند در هر کشوری هم که آنها هم وارد شدند تا از متنفذین ، دربارها ، رجال کشور را عضویت دادند چون کار داشتند ( مکی - حقوق هم میگیرند ) اینها سه درجه دارند شاکرد ، یکی رفیق ، و یکی استاد استاد غالباً میتواند پیشوا و رهبر باشد و یکدرجاتی هم پیدا میکند و بالاخره مرشد بزرگ موسوم به روشنائی ( لومیر ) است تشریفاتشان را کاری نداریم و زیاد مفصل است بجه طریق میآیند چه جور قسم میخورند که وفادار باشند و بد نکنند

و مطبوع رئیس و اصول خود باشند و آنچه از شهر باک بقول خودشان میگویند ( مدینه طیبه ) از آنها با آنها الهام میشود و آنچه دستور از آنها بهشان داده بشود مکلفند که اجرا بکنند ، شما ایرانی هستید شاهندی هستید شما هر چه که هستید مجبور هستید آن مردمی که در استرالیا ، در هندوستان ، در فرانسه هستند و جزو فراماسون میباشد از را نزدیکتر بدانید از هموطن خودتان و اگر شما از بالاتر دستور دادند مجبورید دستور او را اطاعت بکنید اگر چه مخالف با قوانین شما باشد اگر آنها بیکه هستند و من میگویم تکذیب کردند قبول میکنم که بگویند ما نهادنیکه داریم اجبار نداریم که اجراء بکنیم آقایان نمایندگان وطن آنها فراماسون است و تبعیت آنها از قوانین فراماسون است و هیچ چیز دیگر در مقابل آنها رادع و مانع نیست هر چه هست آست ، فراماسونی که بایران آمد همانطور که در زمان قدرت انگلستان مستقیماً از لندن با بنجارا چه نشد و هندوستان همیشه در این کار دخالت میکرد و کتابی که اسناد دولتی انگلیس را منتشر کرده و بنده دارم شما نشان میدهم معلوم میدارد که همیشه وزیر خارجه انگلیس مراجعه میکند بناب السلطنه هند که در این موضوع شما چه میگویند او هم جواب میدهد و نظر موافق و مخالف خود را میگوید و همیشه مأمورینی که در هندوستان بوده اند مستقیماً نظر میدهند . فراماسونی هم که در ایران آمد این فراماسون شبه هند بود و مستقیم نبود ( رحیمیان - بپرید ؟ ) ( مکی - وزیر سابق و سابق ) آقایان نمایندگان اصولاً من با افکار و عقاید مردم کاری ندارم بقیده من هر کس آزاد است هر قسم فکری بخواند بکنند مادر قرنی زندگی نمی کنیم که عقاید و افکار مردم را بخواهیم سانسور بکنیم ، اعمال مردم مورد تعقیب ما است ( یکی از نمایندگان - صحیح است ) والا هر کس هر فکری دارد میتواند فکر خودش را بیوری بکنند و ما هم طبق منشور ملل متفق طرفدار این عقیده هستیم مردم آزادند و بهر قبله نمی میخواهند نماز بخوانند ولی اعمال آنها مورد نظر ما است ، بنده عقیده شخصی ام اینست که کسانیکه در کشور ایران بستگی و نهمی با هر دولت خارجی و با هر مردمی مطابق این اصول داشته باشند ، آنها نباید تصدی امور شوند ( عده نمی از نمایندگان - صحیح است ) آنها در ایران در برابر لژ بزرگ انگلستان و در برابر لژهای سن ژان اسکاتلند زانو میزنند و هر چه آنها بگویند عمل میکنند و ادارائی که در مقام خودش ، در کشور خودش مورد تعقیب و تحسین جهانیان است یعنی اینتلیجنت سرویس انگلستان ، اداره کننده لژ های انگلستان است . من مکرر گفته ام که ما راجع بمملکت خودمان صحبت میکنیم . مردمی که انگلیسی هستند مردمی که برای شاه و عظمت کشور خودشان سعی میکنند و زحمت میکنند آنها مورد تعقیبند و من همیشه آرزو دارم که در این کشور هم مردمی باشند که بتوانند همان نوع خدمات را برای کشور خودشان بکنند ( حاجق - خوشبختانه ما افراد وطن پرست زیاد داریم که برای وطنشان خدمت میکنند ) بنده چون میل دارم که سعی بکنم امروز استیضاح را تمام بکنم و بخواهم که بجماعات مترضه جواب

بدهم ، ولی این نکته را باید فهمید در صورتیکه ما اینقدر مردم وطن پرست داریم اینقدر مردم نوب داریم همه هم حسن نیت دارند پس میخواهیم ببینیم وضع مردم کشور ما چرا این بدست ؟ میخواهیم ببینیم مسئولان کیست ؟ (عده از نمایندگان - صحیح است - صحیح است) حالا خواهیم فرمود که خدا خواست اداره کننده ها آنها هستند ، آمده های خوب هم که هستند ، همه هم که وطن پرستند ، خوب پس چرا اینطور است مملکت ؟ (مکی - مملکت هم که امن وامان است توی مجلس و کیل را میزنند مملکت امن وامانست راحت بخوابید مردم تهران ، یکجائی که مسون از تعرض است و کیل را میزنند ۱۰۰۰) مرشد فراماسون ایران آقای حکیم الملک است و آقای نجم الملک هم که اخیراً بر تبه استادی رسیده اند ایشان هم هستند و تمام کسانی که با ایشان کار کنند و باهم همکاری میکنند اسامی همه را میدانم محتاج بدگر نیست مگر اینکه خودشان بردارند در روزنامه اعلان کنند که بنده نیستم جزو فراماسون و تشکیلاتی ندارم و یا بآن مخالفت دارم . اگر اینکار را کردند خوب این بحث جدا گانه است و بنده آنوقت بدلائلی که دارم بعرض آقایان میرسانم و اگر اینکار را نکردند باین دلائل کتبی که من دارم آئین نامه و نظامنامه فراماسونها بنده بدلت ایران توصیه میکنم از تمام آنها احتراز بکنند (اکثر نمایندگان - صحیح است) من میشناسم اشخاص دیگری را که از نظر رعایت ادب میل ندارم حتی اسمشان را هم از برای این که میگویند که فرض را می کند ، نه ، وقتی که بنده در ایران نبودم ، اطلاع پیدا کردم و در روزنامه های قاهره خواندم که متفقین مره سه دولت با دشتی داده اند برای نظارت بین المتفقین در ایران یعنی مداخله در امور ایران ، آقای حکیمی که آنوقت نعت وزیر بودند ایشان قبول میکنند و همین آقای نجم الملک وزیر خارجه بود و داخل مذاکره شدند و اگر مصدق السلطنه نبود در آنوقت و یکمده مردم آزاد بخواند در آن زمان بنده بودم (حادثی - اینطور نبود آقای - ایشان جزو مردم وطن پرست این کشور است) (امامی - مرد با شرفی است) باید خودشان تکذیب بکنند آقای امنی که جزو فراماسون هستند باینستند . اگر هستند تابع این مقررانند و اگر نیستند اعلان بکنند ، در فراماسون کسی که این انکشت چش را بر میگرداند و علامت میدهد رئیس اوست و باستی تبعیت بکنند از او نکوید نیستند مرا و اداری نکند که از ادب خارج شوم (امامی - آه - شما نسبت میدهد دلائل را هم باید اقامه کنید) دلائل را الان میگویم . آیا موضوع نظارت بین المتفقین را در حکومت ایشان کسی هست بتواند تکذیب بکند ؟ رئیس باین موضوع طبق ماده ۱۱۰ از موضوع خارج است

**دهقان** - وقتی که شما یک کسی را متهم میکنید دلائلش را هم بگوئید باید ماهم بشناسیم والا همینطور رجال مملکت را بد نام کردن که مصلحت نیست بگوئید (خنده متناهیانه) دلائلش را هم بگوئید من علاقه باین موضوع دارم

رئیس - ساکت باشید آقایان متعبرین جرائد مواظب باشید که نظم مجلس را رعایت بکنند .

آقای اسکندری خواهش می کنم ماده ۱۱۰ همانطور که ذکر شده ناطق نباید از موضوع خارج شود اینرا رعایت بکنید این بیانات اصولاً مربوط بکار رفت نیست

**اسکندری** - بنده باید بگویم که چرا این قرارداد مردود است باید بگویم متصدیان امور بیکه قراردادها بسته میشود ، باید بگویم متصدیان امور بیکه این کار را کردند چرا کردند اینها جزء دلائل است حالا آقایان میل دارید که گفته بشود یا میل ندارید مختارید ، بدون دلیل همینطوری که قبول نمی کنید می بینید این اشخاصی که در اینجا هستند لجاج میکنند وای باینکه من دلش را نکویم از این روشتر چیست که ۱۲۰۰ میلیون تومان دارائی این مملکت را همینطور بیکسره در سال میدهند به بیگانگان و این مردم گرسنه و برهنه را ، آن آخرین لباس و شلوارشان را از شان میگیرید باسم مالیات این را می بینید و حرف نمی زنید ، اما در برابر وقتی که من میگویم شما میگوئید دلیل بیارید ، چه دلیلی بالاتر از این افعال می بینید . دلیل میخواهید آئین نامه و نظامنامه فراماسون است در صفحه ۷۶۸ دائرة المعارف فرانسه جلد هشتم در کتابخانه مجلس بفرستید بیارید بشما نشان بنده دلیل همین آئین نامه است . آنوقت دگر این جا اشخاصی هستند بحرف خودشان قبول دارم نجم الملک بگوئید نیستم جزو فراماسون ( فولادوند - نجم الملک از رجال با شرف است ) هر کس در زمان تصدی وزارت خارجه اش با متفقین وارد مذاکره شد ، برای نظارت بین المتفقین در ایران قدم برداشت وطن پرست نیست بعقیده بنده آدم درستی نیست میگویند یا کدام است . میگویم شما هم که میگوئید درست نیستید (مکی - صحیح است) همین کار هست که کار این مملکت را به اینجا رسانیده ، کسی که راجع بنظارت خارجی در ایران داخل مذاکره شده درست نیست شما مرا مجبور میکنید که بگویم این روزها یک میلیون لیره خرج کرده اند حالا خواهید گفت این مبلغ زیاد است برای این مردم ، نه زیاد نیست ، باید فهمید که در طول مدت ۵ سال چقدر میخواهند استقاده ببرند در سال چندین میلیون لیره دارائی این مملکت را میبرند آنوقت می بینید که یک میلیون لیره برای چهل و پنج سال الان دارد مصرف میشود و میگویند بهر نفی ۲۰۰ هزار تومان میدهند . ملتفت میشوید ؟ آنوقت معلوم میشود که زیاد نیست این یک میلیون لیره برای بنده و سرکار و دیگران ممکنست زیاد باشد ولی صد نفر را حساب کنید و باین صد نفر وقتی یکی دو سته هزار تومان بدهند میشود ۲۰ میلیون تومان و این ۲۰ میلیون تومان را حساب کنید ، کمتر از یک میلیون لیره میشود . اینرا تقسیم میکنند و دارائی این مملکت را میبرند . بنده شما تصریح میکنم که اینکار را دارند می کنند ( فولادوند - موضوع استیضاح را بفرمائید) شما که با حوصله بودید آقای - بنده راجع به مایب و عمل و بطلان قرارداد تجدیلی تمیدی سال ۱۹۳۳ دلائل اینجا باطلاع مجلس شورای ملی رسانیدم و دلیل قاطع برفساد این قرارداد دارم ، و از جناب آقای تقی زاده خواهش میکنم پیشنهاد طرحی را که چند نفر از نمایندگان در این مجلس امضا کرده اند برای اینکه این قرار داد وجود خارجی ندارد ، امضا بکنند . آقای مکی کجا رفت؟ خواهش میکنم

آن طرح را ببرد خدمت آقای تقی زاده امضا بفرمائید و اگر امضا نمیکنند ، من تصدیق کتبی ایشان را دارم و میل ندارم بدون اجازه ایشان بخوانم اگر امضا نمیکنند ، بنده مجبور هستم آنرا بخوانم که ایشان خودشان تصدیق کرده اند که این قرارداد فاسد است و بضرر کشور ایرانست . (امامی - امری - این معنی دارد ؟) بلی آقایان ، معنی دارد بسیار معنی دارد آقای - حیثیت و زندگی این مملکت را من نخواهم گذاشت از بین برود ، بسیار معنی دارد . جواب اینست که با امضا میکنند ، و با امضا نمیکنند اگر امضا نکردند من سند را اینجا میخوانم . شما خیال میکنید که من از اینجا صحیح و سالم و زنده یائین خواهم آمد که بگذارم هر کس هر کاری دلش خواست بکند ؟ این طور نیست . من بشما گفتم : عشق از اول سرکش و خونی بود تا گریزد هر که بیرونی بود این قرار داد قرار داد نیست . (نمایندگان - صحیح است) (آزاد - این قرارداد لغو است) بنده همینطور بنشینم اینجا نگاه بکنم ؟ بنده ناخوش هستم که امروز با ۷ عشر تب اینجا آمدم و حالا هم مریض هستم نه آقای ساعد . ( دکتر اقبال - آقای ساعد مریض است . ) آقایان استیضاح را بگذارید تا آقای ساعد بیاید . این قائم مقام الملک اینجا حاضر است سردار سیه رئیس الوزراء مقتدر را در ۱۷ محرم مدرس استیضاح کرد و وقتی خواست صحبت بکنند ، او راه افتاد و خواست برود با وزرایش بر رئیس مجلس گفتند : آقای رئیس الوزراء میخواهد برود رئیس مجلس گفت رئیس الوزراء بیکه جواب استیضاح را نمیدهد معلوم است که استعفا کرده ، و همانجا نشست . ناخوشی هم حرف شد ، این آقای مامقانی هم ۲۶ درجه فشار خون دارد ( دکتر اقبال - آقا ایشان تب دارند بستی هستند) البته آقا اینطور کارها تب می آورد ، میدانم تب می آورد ( خنده متناهیانه) نمایندگان ( باتما نقلیج - شما حرفهای حسابی دارید ، اما سعی کنید ناخوابش نکنید آقایان نمایندگان مدت ۱۵ سال بدون اینکه تماس مستقیم با آقای تقی زاده داشته باشم ، مرید ایشان بودم و شبها خواب می دیدم که این شخص آمده است و من هم بشت سر او جهاد میکنم . شوخی نمیکنم جهاد بمعنای امروز یعنی دوندگی میکردم . من هنوز اهلانهایش را دارم که بر او منتشر کرده ام من بایول خودم در موقعی که برای انتخابات مجلس زدو خورد شد و اوضاع هم طوری بود که بکسی اجازه نمیدادند ، ۶۰ تومان پول دادم بروزنامه ایران که این اعلان را چاپ بکنند ، که پنج نفر برای این مملکت انتخاب بشوند و یکی از این اشخاص آقای تقی زاده بود و اگر موضوع این قرارداد نبود برای تمام آن چیزهایی که من مکرر گفته ام معملی فائل میشدم در این قسمت هم دو راه دارد ؛ چون در فساد این قرار داد هیچ صحبتی نیست یا باستی مجبور باشم که در این صورت در مقام اختیار باید فوراً بگویند که مجبور بودم آقا همان طور که در صحرای

کربلاحر برگشت و گفت من تا اینجا با این سند آمدم و دیگر نمی آیم ( خنده متناهیانه) و آمد و رفت و ایستاد و کشته شد و بسیار مرد خوبی هم در تاریخ شد این نوع زدو خورد ها از ۱۳۰۰ سال قبل تا حالا شده است بدبختی این است که روی گندم ری و حکومت ری بوده قضایای آنجا هم راجع به همین سرزمین ری بود حالا هم راجع به نفت ری است بنده آقا دلم میخواهد که ایشان باور بکنند دلم میخواهد که این قلب شکسته من را ایشان ترمیم بکنند بیایند و دنبال ما را بگیرند همین معملی را که ما میکنیم بکنند من قول بشمامیدم تا هشتم از ایشان تبعیت کنیم برای اینکه من غرضی با کسی ندارم بر علیه کسی حرف نمیزنم فقط باید ایشان اگر مجبور بودند بگویند که این راهی که رفته اند غلط بود اگر غلط است عمل نکنند برای ( خودش ؟) اگر نیست فساد او بر من مسلم است و من با اجازه خود ایشان که خود ایشان این کار را فاسد میدانند من بعرض مجلس شورای ملی میرسانم حالا میگذارم تا آخر صحبت من و البته ایشان هم تجدید نظر بکنند بنده بسیار دلم میخواهد مردم در این مملکت کم هستند ما احتیاج بر رجال داریم من میل ندارم کسی که در سنین کمال عمرش است من نسبت با و اسائه ادب بکنم و نه خارج از رویه صحبت بکنم خدمتی را که هیچکس نمیتواند بکند باید ایشان بیایند و بگویند که این قرار داد باطل است و غلط است و من هم پشت سر او و همه مجلس پشت سر او میرویم و با او همکاری میکنم . اما این حرف معنی ندارد و غیر از این راه دیگری ندارد این مملکت است با مملکت نمیشود شوخی کرد . یکی از دلائل رد این قرارداد و الغاء او قضیه ایست که اخیراً در بیرمانی اتفاق افتاد که دولت ما بر طبق همین سند بیکه واقع شده است میتواند اتغاض سند بکند و عمل بکند بیرمانی دو سال است که از زیر سلطه انگلستان اسماً خارج شده و انشاء الله رسماً خارج شده است . زمامداران بیرمانی تمام منابع و تمام معادن را بیکمتر به ناسیونالیزه کردند ، ملی بکردند - ۱۵۰۰ میلیون لیره بیشتر دارائی انگلستان و اتباع انگلستان در بیرمانی است - یکی از وکلای مجلس عوام بیک تورن از وزیر خارجه سؤال میکند مطابق اطلاعی که مداریم دارائی اتباع انگلیس را در آنجا ملی کرده اند شما چه اقدامی کرده اید که این خسارت متوجه آنها نشود بگوئید: بلی ما اطلاع داریم در آنجا هائیکه ملی شده است بعضی جاها صد درصد و بعضی جاها اکثریت سهام هم متعلق باتباع انگلیسی است ، ولی ما نمی توانیم در امور داخلی کشورهای دیگر مداخله کنیم دولتی است تصمیم گرفته که این صنایع را ملی کند ماقط می توانیم خسارت بطلبیم ، متأسفانه باینکه روزهای اول حاضر بودند خسارت بدهند ، ولی حالا در موضوع خسارت هم حرف دارند ولی حالا ما اقدام می کنیم . این متن نطقی است که او کرده است و این جوابی است که او داده است ، حالا شما مردمی که اینجا نشسته اید ، بالاتر از این که خود وزیر خارجه میگویند ، معطل چه هستید ؟ آقایان معطل چه هستید؟ درست فکر کنید عقب چه می گردید ؟ دست نشان عقب کی دراز است ؟ این متن مذاکره مجلس

انگلستان مستر بیک تورن پس از مراجعه به صحبت بون راجع باصول دمکراسی و سوسیالیزم از وزیر خارجه سؤال کرد آیا مستر بون اطلاع دارد که در بیرمانی دولت فعلی آنجا میخواهد اصول سوسیالیزم را رواج دهد و کارخانجات و صنایع و شرکت های انگلیسی و آن قسمتی که انگلیسیها در آن سهام دارند چه خواهد شد ؟ و سرنوشت آن چیست ؟ مستر بون جواب داد آنها کاملاً تصمیم دارند که کارخانجات و صنایع را ملی کنند و بایر داخت خسارت صاحبان سهام موافقت کرده اند و در تمام بیانات خود این موضوع را همیشه گفته اند و باستی را که میخواهند تعقیب نمایند ، اعلام نموده اند و مؤسسات را هم تصرف نموده اند ، ولی در موضوع پرداخت خسارات آنرا چنین مستفاد میشود که میخواهند آنرا هم تغییر دهند من خیال میکنم که این مجلس هر وقت نخواهد خواست که با دولت بیرمانی داخل مذاکره شویم و طبق مقررات منشور ملل متفق موادخام در هر کشور متعلق بخودش میباشد در صورتیکه خسارات را بطریق صحیح و عادلانه بپردازند ما موافقت داریم ما مداخله در امور داخلی کشور دیگری نداریم « این نطق بون است در مجلس انگلستان میخواهم ببینم که دیگر جای هذری و مفری برای نمایندگان ما هست؟ دولت ایران بلا فاصله باستی صنعت نفت را ملی کند و البته خساراتی هم اگر دولت انگلیس و کمیانی نفت جنوب دارد در این موضوع داخل مذاکره بشوند و حل بکنند من میدانم که هر کسی خانه ای دارد ، قرضی دارد زندگی دارد ، اینها را تمام من میفهم ولی باید برای خاطر کشور همه آنها بگذرد و موضوعی را که از اول مجلس گفتم و تعقیب کردم و حالا هم تعقیب میکنم یکی موضوع بحرین بود و یکی موضوع نفت جنوب من تقریباً آنچه داشتم یعنی آنچه که دارائی من و بچه های من هست او را دوتا بنصده هزار تومان تعیین کردم جایزه برای کسانی که این قدم را بردارند و آن قسمت را بایران باز گشت بدهند و این ننگ را هم از سر ملت ایران بردارند ( باتما نقلیج - چکش را مرفوم بفرمائید ) و برای این قسمت هم سند رسمی تهیه کرده ام . آقای دکتر مصدق السلطنه و آقای بهاء الملک آن مرد نامی و آقای سید ابوالقاسم کاشانی هم وکالت تام الاختیار دارند کسانی که طبق ورقه منتشره در روزنامه ها این کار را میکنند بآنها این پول را بدهند من عقیده ام این است که این آقایان اگر تصور میکنند مورد تعقیب میشوند ، مورد بیهی می شوند دچار زندگی بد میشوند ، این را تامین میکنم در حدودی که من میتوانم بیش از این نمیتوانم این کار را من کردم ، با کمال میل هم میکنم برای نیکنامی خودمان ، اینقدر دیگر راه کج و کوله نروید ( باتما نقلیج - سندش کجاست ؟) اینجا که شما میگویم دیگر هیچ جائی بالاتر از این نیست این سند است که داده شده است ، هیچ جائی بالاتر از این نیست که در مجلس شورای ملی میگویم این سه نفر هم وکالت تام الاختیار دارند که آن کسی که این کار را میکند باو بدهند بیشتر از این نداشتن میدانم چیزی نیست در برابر بخارجی که دیگران میکنند ولی من همین را داشتم و اما کردوات انگلستان بخواهد در این حقوق حقه ما ایستادگی کند من بنطقی که مستر چرچیل

در ادینبورگ در موقعی که صدر کار نبود و چمبرلن رئیس حزب محافظه کار حکومت را در دست داشت بنطق خود او مراجعه میکنم و همان نطق خود او را دلیل خواهم آورد اواز اوضاع و بساط آشفته انگلستان و کوتاهی چمبرلن صحبت میکنند و اشاره میکنند بیک قسمت از تورات در باب پنجم تورات میگویند که بالتازار پادشاه بابل در دریای شهور و عیاشی غوطه خور بود و هیچ در فکر کشور خودش نبود در یکی از روزها دستی از غیب بیرون آمد و بدیوار چیزی نوشت هیچکس نتوانست او را بخواند دانبال که جزو اسرای بابل بود او را آوردند که فت اینک بدیوار نوشته است میبوسد که منا منا نقل فارس منا یعنی حکومت امپراطوری تو و سلطنت تو شمرده شده و بانتهای رسیده است نقل یعنی در ترازو گذاشتیم و سبک در آمد فارس هم یعنی که حکومت تو تقسیم میشود بین مدیها و یارسیها این را و بنسنتون چرچیل در نطق خودش در ادینبورگ میگوید من هم به امپراطوری انگلستان میگویم که با ملل ضعیف که قدرتی ندارند بروی اصول عدالت رفتار بکنید و بیش از این فشار تعقیب بیک ملتی نکنید ( باتما نقلیج احسنت باین نطق شما ) ممکن است که ما ضعیف باشیم و ما مسلمانی توانیم احقاق حق خودمان را بکنیم در اما گیتی همیشه دست بالای دست بسیار است ( باتما نقلیج - صحیح است ) بهر حال اگر انگلستان نخواست حقوق ایران را بشناسد و اگر مردمی چون مردان یافت نشدند حقوق ایران را چنانچه باید و شاید حفظ بکنند من بشما میگویم که ملت ایران آن اندازه ها که تصور شده است ضعیف نیست من بیکبار در کابینه آقای هیزر اینجا در پشت همین کرسی خطابه خطا بردم و گفتم تکذیب اینکار را و این بار دوم است که میگویم و بدانید برای دفعه سوم اگر گفتم ما هستیم و وجود داریم و مردمی داریم که آن جاهای نفت را بر سر ماورین امپراطوری انگلستان که نفت ما را میبرند و پول آنرا نمیدهند و خوشبختی خود را در زور گوئی و بدبختی ایران میدانند خراب کنند انگلستان از تشنگی و فریب این نفت خواهد سوخت و بیکره امپراطوری اش و بنسای آن که از این نفت است بر باد خواهد رفت انگلستان چاره ندارد جز این که نفت را از ما بخرد و پولش را هم بپایند و ما هم آن نفت را بآنها مفر و شوم تا بتوانند هوای ما را ، دریا نوردیشان را کشتی هاشان را و وسائل نقلیه و کارخانجاتشان را بکار انداخته و استفاده بکنند ولی بهمان خرید نفت باید قناعت بکنند و ما هم بآنها مفر و شوم حتماً باید امتیازات خارج المملکتی در ایران وجود نداشته باشد ، ما نمی توانیم قبول بکنیم که کشور ما میدان مبارزه و مجادله و رقابت های سیاسی بشود این برای ایران غیر قابل امکان است ( گلبدادی - صحیح است ) این دفعه دوم است می گویم و بدانید دفعه سوم در فراق این نفت خواهند سوخت ( گلبدادی - صحیح است صحیح است ) من امیدوار هستم مطالبی را که من عرض میکنم آنها را با دیده تحقیق نگاه بکنید و میدانم که خواهید کرد نکته نماند که این ممالک بزرگ و سایل استعجالاتی در درجه اول و بعد اکثر دارند با داشتن این وسایل که در دست تمام این دول بزرگ هست همه میدانند که عباس اسکندری مهم

بشیر نیست (نمایندگان - صحیح است) و آنچه بگوید فقط فقط برای خاطر کشور خودش است (دکتر طب - صحیح است) و باین دلیل امیدواری دارم که آنها بپذیرند اینرا.

سیاست خارجی انگلستان در ایران و خاورمیانه و مالکی که عقب افتاده و نظیر این کشورها هستند بنظر من همواره بدو گانه و قدیمی است و باب دنیای امر نیست، بجای اینکه حق ما را بما بدهند با سیاست که خود این کار را خواهند کرد من حالا شما میگویم یاد داشت کنید و ببینید اگر شما گوش نخواستید بفر ما بکنید این کار را خواهند کرد اولاً در فکر مباحثه و خواهند گفت خوب آقا چه مجلسی مجلس شوری برای ایران بچه درد می خورد اینها را باید جلوی صحبتشان را گرفت ده روز دیگر باز ده روز دیگر بیست روز دیگر یک روز دیگر برای شما خبر می کنند که دیگر حرف زدید يك نفرانم میکنند و بالاخره این مجلس موقت را هم از شما خواهند گرفت اما ملت ایران نمیبرد (نمایندگان صحیح است - احسن) زنده است و تمام آنهایی که این کار را میکنند تمام آنها مجازات خواهند شد (صادق - صحیح است) بیخشد آقا دهقان یادداشت نوشته اید بیاد داشت شما توجه کنم چیست؟ (دهقان همانجا است) پیدا کردم شما عرض میکنم نقشه ای که این جاسانان داده شده است چیست؟ آقا دهقان بن تدر داده اند نقشه ای که نشان داده شده بطوریکه باید و شاید نیست و بیانی که کردید آنرا اصلاح بکنید، آقا دهقان بدانید این نقشه ای که این جا است نقشه ایست که الان تحت عمل کمیانی نفت جنوب است این نقشه را بنده تکمیل کرده ام این نقشه ایست که کمیانی نفت جنوب دارد و روی آن عمل میکنند این نقشه را که ملاحظه میکنید (و ناطق نقشه را نشان داد) این جا کرمانشاه است و نفت شاه، این جا آبادان است و از اینجا تمام کرانه خلیج فارس را میگیرد و وارد بحرمان میشود، در این قسمت فقط يك قسمت بلوچستان خالی است که آنهم در این نقشه نشان داده شده ملاحظه میکنید این اصل نقشه است و این نقشه را کمیانی نفت جنوب رویش عمل میکنند و وارد آبهای ساحلی میشود یعنی آبهای ساحلی ما را هم دارند و من خیلی خوشحالم که می بینم این روزها شما همچو متفکرانه این مطالب را بحث میکنید (خنده نمایندگان) اسباب خوشنودی است خیلی از شما راضیم (خنده متد نمایندگان)

يك کسی در ظرف این چند روز دوست من است همین جا هم است این شخص همیشه برای من مغزورای میکند میگفت آقا وجود شما خوب است در مجلس اما این کارهایی که میکنید اینها، بدو انگلی مانده این داوری آقا فکر بکنید که شما که دیگر وکیل نخواهید شد به میکنید، غیر از شما خیال میکنید کسی نیست دیگران هم هستند و میفهمند صلاح و مصلحت خودشان را لابد در نظر گرفته اند، بنده جواب او را در همین جا میگویم من اگر میخواهم روی صندلی بنشینم برای این است که آن حرفهایی که من میدانم برای ملت ایران بزنم والا چه دو سال چه بیست سال بروم روی صندلی بنشینم واسم و کبل باشد بمقیه من جرم است، گناه است و من امروز در این مجلس

میگویم که اگر این مجلس بوظیفه خودش عمل نکند من این مجلس را ترک میکنم، او برای دوره آینده بن گفت من این مجلس را اگر چنین خطائی مرتکب شد قبل از دوره دیگر ترک خواهم گفت و من در این بدکارها دخالت نمیکم (نمایندگان - احسن) و آنهایی که بکنند این بدکاری را من با آنها خبر میدهم همانطور که بیغمبر بود آن خبر را بقوم خود داد، آنها زندگی خودشان، خانواده شان، تمام ملت ایران را در خطر میاندازند، خودشان هم جزو آنها خواهند رفت در همان کودالها دفن خواهند شد، این چیزهایی که شما الان می بینید این نهالی که الان کاشته شده است این نهال با خون مردم کاشته شده با خون ملت ایران آبیاری می شود بداند میوه ایهم جز خونریزی و بدبختی برای این مردم ندارد و آنهایی که اینکار را میکنند روزی سیلی از خون تمام آنها را زیر خودش دفن خواهد کرد من در بسیاری از موارد با کارهایی که آقا قوام السلطنه در حکومت خودش کرده است مخالف بودم و مخالفت داشتم، اما دلیل سقوط قوام السلطنه هیچکدام از اینها نبودند اشتباهی مفید روی سایر اشتباهات کرد یعنی يك اعلامیه ای داد، راست و دروغ من کاری نداوم، گفت من بحری را میخواهم برگردانم و نفت جنوب را هم تجدید نظر می کنم و این طور قبول ندارد، این ذنب لا یغفر بود، و من شماها میگویم با این بساط که هست قوام السلطنه باید محکوم شود، قوام السلطنه باید برود در زندان و در زندان هم ببرد اینست روشی که این مملکت دارد اما کارهایی که او کرد اگر پرونده او اینجا مطرح بشود بنده شما بگویم مخالف با بسیاری از کارهایی که بر علیه احزاب کرده است، من مخالف هستم با بسیاری از اعمالی که او کرده است بر علیه حزب توده، بر علیه حزب ارادهملی، دو حزب مخالف با یکدیگر هر دوی آنها برای من فرق نمیکند بمقیه من بسیار کار خبیثی است، بمقیه من دو حزب با اینکه در دو قطب مخالف است افکار خودش را باید داشته باشد، عمل اگر مخالف قوانین موضوعه بود باید تعقیب بشود، قوام السلطنه و رفقای دموکرات ایران او بر علیه حزب توده عمل کردند من با چشم خود دیدم تا بلوی حزب توده را کنند و پایش آورند و با چشم خود دیدم حزب ارداه ملی را بستند، چرا بستند؟ بنظر بنده بسیار کار بدی کرده اند و این دلایل بمقیه بنده همیشه موجود است و من جزیکه فقط کبودی ندارم هر وقت که متصدی کار بشوند فقط چهارتا از آن زمامداران این اشتباه وطن پرستی را کردند یکی علاوه السلطنه است، یکی مشیرالدوله است یکی مستوفی الممالک است یکی قوام السلطنه است، قوام السلطنه تا کتون هیچ سندی بر علیه ایران امضاء نکرده است (نمایندگان - صحیح است) و همین با جریان فعلی جرمی است مشهود و قوام السلطنه باید در زندان بماند و ببرد و این تنها علاج او است همه میدانند که بنده نه جرم حزب دموکرات ایران نه هیچوقت شرکت کردم و همیشه انتقاد کردم کسانی هستند که انواع و اقسام تهمینها کردند عکسها رسم کردند بشهر و دیارها فرستادند برای کارهای شخصی خودشان اسم نمیبرم از آنها، از برای آنکه میخواهم داخل خصوصیات بشوم من دارم، يك کسی هست که در طی يك سخنرانی بلند شد و گفت که پدر تانوی

من است قوام السلطنه و من میدانم که با باید اولاد ناخلف باشد (محمد علی مسعودی - اولاد اولاد ناخلف خودتان هستید) چطور مگر شما صحبت کردید؟ (محمد علی مسعودی - بن اشاره کردید) (خنده متد نمایندگان) اهدا مگر شما صحبتی کردید؟

**محمد علی مسعودی** - اولاد اولاد ناخلف خودتی رئیس - آقا مسعودی نظم مجلس را رعایت کنید (زنك متد رئیس)

**محمد علی مسعودی** - من گفتم این جا میگویم تمام خیانت ها و چناب هایی که شده است این جا میگویم پشت تریبون تو آرزوی و کالت را باید بگور ببری (زنك متد رئیس)

**عباس اسکندری** - ولی بنده کاسمی نبردم نفهمیدم شما چرا جواب دادید؟

**محمد علی مسعودی** - بلی شما اشاره بن کردید، بن گفتم قربان.

**عباس اسکندری** - شما يك چیزی پیش خودتان فکر کردید

**محمد علی مسعودی** - من از میدان امتثال شما بیرون نیروم شما نمیتوانید نظیر آن حکومت را در دست بگیرید ما با این موضوع مبارزه میکنیم و طبق ماده ۱۰۹ اجازه میخواهم من میایم تمام جریانی که آن شب بود میگویم

**عباس اسکندری** - واقفانما گفتید؟ (خنده نمایندگان)

**محمد علی مسعودی** - شما که گفتید با حزب دموکرات مخالف خود آمدی آنجا بکاف میافتادی

**رئیس** - آقا مسعودی ساکت باشید شما اختطار میکنم اسمی که از شما نبرده اند اجازه نخواهید بعداً صحبت کنید

**محمد علی مسعودی** - اجازه خواستم بعد جواب میدهم

**رئیس** - آقا بنشینید نظم مجلس را رعایت کنید بعد اجازه نخواهید، بفرمائید آقا اسکندری

**عباس اسکندری** - در بعضی از جراید بنده دیدم که برای اختلاف مراجع موضوع این قرار داد تمدینی و تحمیلی (از روی حسن نیت البته) نوشته اند ما بدواری بین المللی مراجعه میکنیم من برای اطلاع آقایان میگویم که چنین امری غیر ممکن و خطا است در این کیتی که ما زندگی میکنیم این کیتی مال زورمندان جهان است (مکی صحیح است) و هر کس مختصر فوه عاقله داشته باشد میدانم که ایران و انگلستان اگر رفتند بدواری داوری آنجا چه رای خواهند داد این راهمه میدانم نظیر این را تفرایش باشناخت وزیر مقبول مصر کرد برای حفظ حدود و نفور مصر راجع بسودان رفت بشورای امنیت در جلساتی هم حضور داشت بعد با اول یواش و بیدم بصدای بلند گفتند آقا بروید خودتان حل کنید در صورتی که آنجا برای همین کار است یعنی شورای امنیت و مجمع ملل متهدرا در صورتی که بمعنی صحیح باشد تنها در اصل مسائل جهانی و آسایش دنیا میدانم ولی وضعیت فعلی این مجمع ملل متهدر و روش و تصمیمی که اتخاذ میکنند نظیر آنرا هم نمیتوانم در آسواخاور میان قسمت های مختلف، آلا اندونزی چه وضعیتی دارد اینها تمام حدیث صادق و ناطق است، مثل يك قسمتی از انتخابات (البته

مقصودم این دوره نیست دوره های دیگر) تصور بفرمائید يك مالکی میخواهد رای داشته باشد يك جانی مباشر خود را میفرستد، میگوید بگوئید ببینید رای بدهند مباشر میبرد در ده سه شب میماند شامش را هم میخورد و بعد رعبت را هم راهمی اندازد با خرج خودشان و میباشند رای میدهند و بعد هم کرای دادند از هر تفری يك تومان میگیرد معلوم می شود هم رای باید بدهند هم يك تومان پول و هم ناهار، مثل آن مثل مشهور ما هم در این مجمع ملل متعدد کارمان این است که بایستی نماینده بفرستیم پول هم بدهیم بعد يك رای ممت هم بدهیم، زورمندان جهان آنجا نشسته اند در دو کفه ترازو حاجت برای دارند ملل دیگر، ضمناً باید بروند آنجا هم رای مطابق میل آنها بدهند هم مخارج آنها را بپردازند و تحمل کنند، ۶۵ هزار دلار پرداختیم در همین دفته ای که آقای نوری اسفندیاری رفتند، حاصل عمل چه شد؟ يك مصاحبه و ملاقات با آقای بوین يك رادیو لندن راجع بتفسیر قانون اساسی، وای بهال، آن وقتی که مؤسسانی درست بشود و بفرماند می شود آن وقت می بینیم قبل از وقت رادیو لندن خبرش را داده ولی من امیدوارم دنیای آینده از مجلس شورای جهانی (که باید باین اسم باشد) بیشتر از این استفاده بکنند و اگر روزی زورمندان کیتی مطامشان را کنار گذاشتند و واقفانما خواستند خودشان زندگی بکنند و بدیگران هم اجازه زندگی بدهند البته آن روز روز نیکبختی جهان است، من تصریح میکنم و عقیده مسلم من اینست که بایستی ما درین موضوع بهیچ کجا مراجعه نکنیم، ما بایستی عملاً بگوئیم این قرار داد تحمیلی است و تمهیدات صحیح نیست و دلالتش هم درین قرار داد هست و با بیان اینکه همه بدانند قصد خرابکاری نیست، نفت را هم میفرشیم بانگلستان بیتی که در فوب مکزیک است و کمی هم طرف آنها را نگاه میداریم، خردم ارزانتر میبهم که نگویند چرا باین قیمت میدهد چون خیلی دوستی داریم با آنها آری يك خرده ارزانتر میفرشیم، غیر از این صورت نمی توانیم و باید این قرار داد لغو و کان لم یکن باشد، برود امیراتور انگلستان بشورای امنیت مراجعه کند ما چرا برویم؟ بگذارید شما جبر و زور بگویند، ساز وحشی بیآورند در کنار خلیج فارس، کشتی جنگی برای چه آمد در کنار خلیج فارس، الان در خلیج فارس دارند بازی میکنند، چطور کشتی جنگی آمد لنگر انداخت در کنار خلیج فارس و دولت هم نشسته است نگاه میکند؟ چطور اجازه میدهد که بیاید؟ ما از آغاز وحشی و اهلی نمی ترسیم و حق هم ندارد در آبهای ساحلی ایران لنگر بیندازد این چهار تا کشتی کوچک را که دارید دستور بدهید مقاومت کنید بزیب خرابش کنید بیندازید دور بگذارید آنها شما را بزنند، بچه مناسبت کشتی جنگی آمد بخلیج فارس؟ بچه مناسبت در بوشهر لنگر انداخت این مخالف صریح مقررات بین المللی است (نمایندگان - صحیح است) بهر عنوان و بهر اسمی که باشد کشتی جنگی نمیتواند وارد آبهای ساحلی بشود و در آنجا

لنگر بیندازد (صحیح است - صحیح است) حق لنگر انداختن ندارد (مکی - صحیح است) آیا می ترسید ساز وحشی نوب بزند؟ شما در بطون این قرارداد وارد بشوید و نگاه کنید می بینید که اگر ما مالک نفت نبودیم، و آن تکه جزم ایران نبود و فقط از اینجا نفت خارج میکردند و باید از کمرک ایران خارج بشود و برای آنجا مواد مورد احتیاج را میخواستند بیآورند، شما آن پولی را که بابت این صادر و وارد میکردید برات بیشتر از این بود که شما با حق الامتیاز میگیرید، بگمرك شما، هر تاجر بدبخت ایرانی بطور متوسط، ده درصد برای صادرات میدهد از وارداتش هم صدی چهل میدهد آن وقت تمهدات ارزی هم دارد که باید عین ارز را آنجا بدهد، اینها نفت را میبرند، گمرك نمیدهند، وارداتشان را هم گمرك نمیدهند تمهد ارزی هم ندارند، شما هم هیچ چیز نمیدهند کلاماً مطابق آن مثل مشهور است (فولادوند - آن مثل چیست آقا؟) بنده از ادب خارج نمیشوم ولی همه تان میدانید، حالا این مقدمات برویم سرمصاحبه جناب آقای نخست وزیر و یک قدری آن را تجزیه و تحلیل بکنیم: آقای نخست وزیر اشاره نمودند مذاکراتی که آغاز گردیده است و دولت من نیز صمیمانه میگویم که در این مورد از حقوق ملت ایران حمایت نموده و نسبت با اجرای پاره ای از مواد امتیاز نامه شرکت نفت ایران و انگلیس با فشاری کند، در این مجلس، هجده ماه صحبت کردیم، درین مجلس قانون گذشت برای استیفای حق ایران در تمام این صحبتها از اول تا آخر یکروز آقای نجم الملك آمدند اینجا بنا بر معمول خودشان گفتند که من از این قانون اینطور فهمیدم که را ح باین امتیازنامه ما باید کار بکنیم و عمل بکنیم هیئت جامعه مجلس یکدفعه فریاد کرد گفت اینطور نیست (نمایندگان - صحیح است) و بعد آقای هزیر که عضو همان کابینه هم بودند مجبور شدند آمدند اینجا و گفتند آقا صلی هم کشفی ازین است، ملت ایران که قبول ندارد درین قرار داد تمدیلی بشود، دولت انگلستان هم بقول نخست وزیر ناراضی است معلوم نشد چرا نخست وزیر چکه ها را پراز يك صکرده و رفته میگوید ترا خدا بیاید این قرار داد را اجرا بکنید، چه زحمتی است که ایشان بکشند که این قرارداد را اجرا بکنند چه لزوم دارد؟ دو طرف قضیه اگر نخواهند تفاسخ میشود این اصل حقوقی است خواهید گفت معنی این جمله چیست؟ معنی این حرف اینست که در ملت ایران هیچکس نیست که از این قرارداد راضی باشد معنی این حرف اینست که يك مردانی یا تمعد و یا مشته بشور مملکت کار میکنند یعنی قبل از اینکه ما مذاکراتمان را شروع بکنیم قبل از وقت میگوئیم که میخواهیم چکار بکنیم یعنی بطرف میگوئیم بلی آقا ما مطابق میل شما میخواهیم عمل بکنیم با اصل قرارداد کاری نداریم فقط راجع بچند ماده میخواهیم صحبت بکنیم و من تصریح میکنم اگر هیئت دولت در این قضیه مشارکت داشته و افراد این دولت در اینکار دخالت داشته اند و مصاحبه را تصویب کرده اند تمام آنها والا شخص آقای ساعد از برای همین کاری که کرده است، از برای اینکه حقوق ملت

ایران محفوظ بماند قطعاً بایستی کنار بروند کسی که میگوید که من این قرارداد را میخواهم مجبور بکنم موادش را اجرا کنند بهیچ صورتی نمیتواند رئیس الوزرای ایران باشد (باتفاقلیج - قانون باین نحو گذشته بود، میخواهید نوش کنید ایشان لغو کنند) میخواهم بگویم که از کسی شنیدم این حرفها را ولی دهاتان را آب بکشید اصلاً قراردادی وجود ندارد (باتفاقلیج - بسیار خوب، بندهم با شما موافقم) (مکی - احسن) امیر اتوری انگلستان در دنیای امروز در همه جا از حفظ حقوق ملل و آزادی ملل و داخل مرزهای خوزستان صحبت میکنند در همه جا بلند گویای آنها، وزرای آنها تکرار میکنند که هیچ قسم نظر ارضی و خارج الملکتی ندارند، حاجت انگلستان راهمه میدانند که بخت است ما حرفی که میزنیم بفرض اینکه اگر این قرارداد تعمیلی نبود باز میتوانستیم از نظر موقعیت جغرافیائی از نظر سیاست خارجی، از برای اینکه ما چهار دهج قسم مزاحمت نباشیم و از نظر اینکه کیتی چهار مزاحمت نباشد این قرارداد را لغو کنیم، شما نفت میخواهید ما این نفت را شما میفرشیم، تضمین میخواهید که در آنجا خرابکاری نباشد اینکار راهم میکنیم شما حاجت بیول این نفت آن اندازه که ملت ایران نیازمندی دارد، ندارید که بگویم سی، چهل میلیون لیره که عایدی این نفت است قیمت این نفت است، شما برای او حاجتمند هستید من عقیده دارم این نظرها زرها و دولتهای انگلستان از نظر صلح کیتی مسلماً بایستی تبعیت بکنند و این رویه را بپذیرند، من هم بهیچکس نصیحت نمیکم که بگوید نفت را بفروش بانگلستان، نه، این جنک است، انگلستان، از برای حیات خودش بهر صورتی که هست این نفت را لازم دارد، اما قرارداد خارج الملکتی را ما نمیتوانیم قبول کنیم، کیمانی نفت یعنی دولت انگلیس و ما نمیتوانیم يك دولتی اجازه بدهیم که در داخل مملکت ما يك حق خارج الملکتی داشته باشد، هیچ کجا اینطور نیست ما نفت را بآنها باید بفروشیم و هر دولتی که بخواهد اینکار را بکند مورد تأیید ما است و هر دولتی که بخواهد خلاف اینکار را بکند با او مخالفت میکنیم امروز وفردا که حکومت را بدست گرفتیم آنها را معاصکه میکنیم و بعنوان مقدمین بر علیه صلاح مملکت پس از معکومت طبق قانون آنها را آوزبان میکنیم (آزاد فرار میکنند میروند) بغیر نگران نباشید حالا هیئت دولت را تکلیفش را معلوم میکنیم که در این مصاحبه شرکت داشته است و تصویب کرده است که اینکار را بکنند یا اینکه این عمل نخست وزیر خودسرانه بوده است، اگر آنها تصویب کرده اند نمی توانند بنام مردم نیکام در پشت کرسیهای وزارت بنشینند و باینست در مجلس ما با آنها هم حسابان رانصیحه میکنیم و اگر آقای ساعد اشتباه کرده و نفهمیده است و عظمت و اهمیت این عمل غلط خودش را واقف نبوده از نظر مصالح عالی کشور بلا فاصله باید استعفا بدهد، يك مملکت را برای خاطر يك مردی و برای خاطر چند نفر نمیفرشند و بچوب حراج تیزند این حراج کشور ایران است، این ممرک کشور ایران است درست این مصاحبه مثل آن آئین نامه کسدائی بیوقوع بود که آمد اینجا، درست اینها یا

همدیگر مترادف بود من وقتی که این آئین نامه آمد، باز تصور نکند که نظر خاصی دارم، باور بکنید که نظر خاصی ندارم معایب آن را گفتم و دلائلی هم فوراً بوقوع پیوست از جمله موضوع دومیلیون لیره فشاک بود وقتی مذاکره شد و بنده مخالفت کردم و رای داده شد و بعد رفت بکسیسون، جناب آقای تفری زاده تشریف آوردند اینجا و فرمودند که من ملتفت نشدم این لایحه راجع بچه بود و رای دادم و اگر امروز کارش تمام نشد خواهش میکنم که آقای رئیس دستور بفرمایند چاپ بکنند که ما دفعه دیگر بخوانیم با داشتن این آئین نامه موجود با اینکه می آئیم اینجا یکساعت، یکساعت و نیم حرف میزنیم و این حرفها زده میشود یک چنین اشتباهی را ممکن است یک نماینده مجرب بکند و ای بر آنکه بگویند یک وکیل دقیقه یا ۱۵ دقیقه فقط میتواند حرف بزند و استیضاح یکساعت باشد و استیضاحی هم که استیضاح کننده میکند باید تمام دلائلش را جمع آوری بکند فقط یک ساعت وقت داشته باشد و بعد هم استیضاح را اکثریت رای بدهند. اکثریت پشتیبان دولت است و همیشه توی دهن اقلیت میزند، اکثریت کی رای میدهد که اقلیت استیضاح بکند؟ در حال آنرا هم بدون اینکه بدانید و بفهمید میگویم مسبوق باشید میوه ای است که از ماوراء بهار در این فصل زمستان برای ما سوفاقت آورده اند ...

رئیس - آقای اسکندری یک دقیقه تأمل بفرمائید اکثریت نیست (یس از چند لحظه عده کافی شد) بفرمائید.

**عباس اسکندری** - یکی از آقایان اینجا بن توجه میدادند راجع بان کتابی که در موضوع نفت نوشته شده است من خواستم بآنها بگویم که از آقای محمود محمود هم استفاده بکنند ایشان هم باین موضوع توجه دارند و اطلاعاتی دارند و بهلوی دستشان نشسته اند و لزومی ندارد که از من تحقیق بکنند. این کتاب را (بادست نشان دادند) بایستی همه بخوانند، بجهت توصیه میکنم که بخوانند و ببینند چطور کشورها ویران شد، ببینند که چطور مردم کشته شدند، سکه کردند، بیخود حالشان بهم خورد و مردند. تمام اینها را تشریح کرده است و بعد می بیند که تمام اینها درد ریای نفت غوطه خوردند و من هیچگاه خارج نیشوم و میخواهم آن خدمتگزارانی که برای کشورهای خودشان اعم از انگلستان یا آمریکا یا شوروی و ترکیه و ایران، آلهائی که خدمت کردند برای مملکت خودشان بایستی که همیشه تکرار کرد. وقتی که شما می بینید یک نفری که در شصت درجه عرض شمالی یعنی در انگلستان یا آن آب و هوا خو گرفته برای خدمتگزاری آب و خاک خودش می آید می رود در کنار خط استوا، کشفایش را از بایش در می آورد، از دین آبه و اجدادی خودش دست میکشد، هدایت میشود و بعد از آن با پای پرهنه می رود آنجا بیست و دو سال روز و شب ریاضت میکشد برای عظمت کشور خودش

این آدم قابل تقدیر است. این آدم را بایستی همیشه تعجب کرد. وقتی که شما نگاه میکنید می بینید که پادشاه بی تاج و تخت عربستان و خاور میانه یعنی لورنس که به ۲۷ صورت مختلف در می آید و به ۱۷ زبان صحبت میکند برای خاطر مملکت خودش تمام کوههای کردستان ما را دیده زیر پای خودش میگذاشت و روزی هم خواب آشفته ای برای کردستان ایران دیده بود که خواش شکر لله تعبیر نشد، او میخواست یک کردستانی درست بکند برای نفت موصل و همه این قدمهائی را هم که میزدند برای نفت بود. من دلم میخواست که از این صحبتها آقایان نتیجه بگیرند. آقایان نمایندگان شما آدمهای فانی، بحکم آنکه قبل از شما، دیگران اینجا نشسته بودند و میدانید که نخواهد ماند اگر هم دومرتبه آمدید و کیل شدیدی بالاخره بگوروی خواهد رسید که از میان میروید و بماند یک آثار جاودانی از خودتان بگذارید. دلیل اینکه شاهها فقط تا مدتی اینجا مینشینند اینست که قبل از شما هم یک عده ای اینجا می نشستند و حالا از آنها کسی نمانده. این دلیلش است. بیائید یک کاری بکنید که در یک روزی، یک مردمی در این مملکت یاد کشورهای دیگر، بگویند که یک مردمی بودند از خود گذشته ای داشتند، منفعت مملکتشان را دیدند از هیچ چیزی نهراسیدند و اقدام کردند بفتح مملکت شما فرض کنید که حقوقی گرفتید. عنوانی داشتید روز عید هم رفتید عید مبارکی کردید. مردم آمدند از شما دیدن کردند، روزهای پذیرائی داشتید و یک کارهایی کردید، نمیگویم که اهل سواد استفاده هستید نمیگویم که کارهای دیگری کردید. نه همین چیزهایی را که هر انسانی میل دارد داشته باشد، اینها کوچکتر ازین است که شما این حقایق را از نظر بگذرانید و گوش ندهید و بدبخت خواهید بود اگر شما حرفهای من را گوش نکرده باشید. بخوانندهای خودتان! بکشور خودتان، ب مردم و هم کیشهای خودتان، بجهت اینها ظلم کرده اید من برخلاف یک بیانی که حافظ میگویی:

بجد و جهد چو کاری نیرود از پیش بگرد کار رها کرده به مصالح خویش من گفته دیگر او را سرمشق قرارداد ام و میگویی:

بسر آنم که گر ز دست بر آید دست بکاری زخم که غصه سر آید

غصه این مملکت و طلسم این مملکت همین موضوع نفت جنوب است. اگر این حل شد مردم این مملکت آسوده خواهند بود (نمایندگان - صحیح است صحیح است) همانطور که کتاب آرزو نوشته ام، ما و رفقای ما هم آرزو داریم که برای این مملکت بهتر از هر کسی خدمت بکنیم و کار بکنیم و حکومت را در دست بگیریم. مادر نظر داریم در درجه اول ازین هشتصد میلیون تومان مالیاتی که آقای وزیر دارائی این روزها خواب می بینند دوهزار میلیون بکنند چون همدست صحیح است (خنده نمایندگان) ما یا نصد میلیون تومان این را نخواهیم گرفت. بر خلاف نظر کسانی که میگویند که مردمی هستند، بردند خوردند دارائی دارند، ثروت

دارند، بمقتیده من توی این مملکت کسی چیزی ندارد. این ها دارائی نیست و میشود سه برابر مردم فعلی درین مملکت زندگی بکنند، این عقیده من است که حد اقل دارائی آنها در آمدشان در سال حد متوسطش پنجاه و هشت هزار تومان میباشد یعنی هیچکس دیگر بلقمه کسی نگاه نکند (نمایندگان - صحیح است) شما در این مملکت با این طرز حکومت ناقصی که دارید اول باسم مالیات خانه مردم را میگیرید، مزرعه اش را میگیرید دیگر فردا خانه و مزرعه ندارد وسط خیابان میماند بعد هم دست میکنند توی جیب او صد تومان از جیب او در می آورند و اسمش را مالیات میگنارند وقتی دیگر چیزی ندارد لباسش را میگیرند نتیجه این میشود که اینها لغت و برهنه میمانند و این اشخاصی که حالا می بینید در وسط خیابان لغت و برهنه هستند آنها دوسال قبل مثل دیگران خانه و زندگی داشته اند (نمایندگان - صحیح است) و شما آقایان که حالا خانه دارید و دارای زندگی میباشد و لباس پرنتان است و مردمی که فعلا در این کشور دارای خانه و زندگی هستند و لباس پرنتان است دوسال دیگر با این طرز آنها هم لباس از نشان در می آورند این معنی حکومت نیست، معنی حکومت این است که شما سعی کنید وسایل تولیدی برای مردم فراهم کنید (نمایندگان - صحیح است - احسن است) مردم را امنیت بدهید کار بکنند تا دارائی پیدا کنند و زندگی خوبی داشته باشند با این وضع این زندگی نیست در این مملکت، مردم در این مملکت جان میکنند و میبرند منتها یکی زودتر یکی دیرتر، همین وزرایمان آنها که آدمهای خوب و صالح باشند، چکار کنند. چه دارند این طباطبائی ( اشاره بمعاون نخست وزیر) بالاخره یک روز می بینید گوشه خیابان چشمش را بسته و دستش را دراز میکند، (خنده نمایندگان) چکار کند بالاخره چه میشود کرد حالا در دولت است فردا دیگر در دولت راهش نمیدهند فردا خانه اش را میفروشد و بعد که خانه اش را فروخت دیگر چیزی ندارد چکار کند زندگی اش را بردند بالاخره یک کافه میبوسد میگوید قربان صد تومان بدهید این هم تمام می شود این معامله ای است که با مردم این مملکت میکنند اماماها یک پروگرامی داریم مطابق برنامه ای که داریم این مالیاتها را اگر بگویم بیشتر از یانصد میلیون تومان لااقل تا یانصد میلیون تومان را بر می داریم تا مردم این مملکت بدانند این کار شدنی است مادر حدود هزار و دویست میلیون تومان هایدی نفت داریم و هفتصد میلیون تومان آن متوسطاً بایستی باین مملکت برسد و یا یانصد میلیون تومان آن جبران این کسری را میکنیم و با دویست میلیون تومان آن هم یک کارهای ضروری شروع میکنیم مستخدمینی که در همین ادارات هستند آنها را بدهند و ادارات ما را فلج کرده اند ما آنها را بیکار نمیکنیم آنها جزء این مملکت هستند ما راها را بدهیم که چکار کنیم این دولت هائی که می آید اینها می خواهند صبح را ظهر و ظهر را شام کنند اینها قصد کار کردن ندارند من بشما گفتم نخواستم بآنها ظمن و ملامتی بکنم گفتم شما که پروگرام می آورید و هشتاد پروگرام قبل از شما آورده اند گفتم که شما اگر توانستید فقط

بگوئید که مواد این پروگرام چیست؟ اگر راست میگوئید یک یک بشوید تند بگوئید مثل شاگرد مدرسه که ۱۲ ماده پروگرام چه بود فقط بگوئید چی آوردید که می خواهید عمل کنید ( خنده متند نمایندگان) یادشان نبود نگفتند طبیعی است چیزی که خودشان آوردند چاپ کردند یادشان نبود برای مردم چکار میکنند این کار شدنی نیست اما مالین کار را نمیکنیم. ما از این پروگرام های دور و دراز خسته کننده صرف نظر میکنیم در ماده اول برنامه حکومتان عدالت اجتماعی بمعنای اهم است. ما محکمه تشکیل میدیم ولی بشما بگویم که زیاد میل کشتن نداریم چون آدم کم است در این مملکت مابندگان را از کار دور میکنیم.

**رئیس** - آقای اسکندری اینها می آید دیگر هیچ مربوط باستیضاح نیست یک موضوع جدا گانه است مربوط بیعت شمانیست و از موضوع خارج نشوید.

**عباس اسکندری** - راجع باین موضوع است که اگر نفت را لغو کنیم این کارها را میشود کرد (دهقان - این را ممکن است برنامه دولت خودتان موکول بفرمائید) شامدر هر دو صورت راحت خواهید بود. (خنده متند نمایندگان)

**رئیس** - مجلس را از نظم خارج نکنید، آقایان از باب جرایم کلام خندیدند دستور بدهید خارجشان کنند در هر دو طرفین آقایان باید ساکت باشند شما هم در موضوع خودتان صحبت کنید و از موضوع خارج نشوید.

**عباس اسکندری** - بایستی عایدات نفت بما بر گردد باید حقوق خارج المملکتی هیچ دولتی در ایران نداشته باشد. بنده متأسفم که راجع بمنابع ثروت ما بدون حضور ما حل وعقد میشود البته هر قسم حل وعقدی بین دو دولت یا چند دولت بر علیه منافع و منابع کشور ما باشد از نظر ماهیچ اهمیت ندارد کانالم بکن است و هیچگاه مورد قبول مانیست (نمایندگان - صحیح است) ولی خوب من بآنها نصیحت میکنم که اینطور کارها را خوبست قبلاً با صاحبش صحبت بکنند نه اینکه خودسرانه بروند قرارداد باهم ببندند که ما در خاور میانه چه میخواهیم بکنیم منابع آنجا را تقسیم میکنیم البته همه اینها میکنند از نظر حفظ آسایش وضع کیتی است از برای آسایش و رفاه آن مردم است ولی ما از آنها خواهش میکنیم فکر آسایش ما را نکنند قراردادی در سال گذشته بین ممالک متحده امریکای شمالی و انگلستان منعقد شده است راجع بنفت، این قرار داد دارای هشت ماده است و یک مقدمه، البته هر ماده اش هم سه چهار رکن دارد، من میخواهم از دولت آقای ساعد سؤال کنم، آقایان، یک همچو موضوع مهمی در دنیا هست شما هیچ در این مذاکره شرکت کرده اید اصلاً میدانید که این قرارداد کی منعقد شده است میدانید چند ماده دارد؟ میدانید چند تبصره دارد؟ و یک و دو و سه دارد همینطور میرویم و مقایسه میکنیم و داخل صحبت میشویم که چی؟ و اخیراً هم چنانکه همه شنیدند، رادیوهای جهان هم خبر داد یک توافق راجع بنغازیر و منابع خاور میانه شده است این روش همان روشی است که دنیا را بجنک

دوم جهانی کشید. آرمندی و زور مندی حد و حصری دارد، وقتی دولت ها زیاد سر مست شدند از فردر باده فتح این کارها را میکنند و گرفتار همان نتایج میشوند که سابقین آنها شدند. این کارها منتهی بجنک خواهد شد من بآنها توصیه می کنم قبل از وقت فکر بکنند و بدانند از دو طرفی که هر دو حاضر برای جنک میشوند، شاخ و شانه برای هم میکنند یک کدام از این ها مسلماً در مفروض خودش اشتباه کرده است و معلوم هم نیست کدام یک از این ها اشتباه کرده اند بیخود خودشان و ملت های دیگر را در خاک و خون میکشاند و برای مردم بیچاره آسوده صلح جوئی مثل ایران و سایر مللی که در خاور میانه هستند خواب آشفته می بینند ما نخواهیم گذاشت کسی راجع بمنابع ما پیش بینی بکند (دهقان - صحیح است) می بینم همه آقایان در این صحیح است ها غفلت میکنند (نمایندگان - صحیح است) بر هر کسی که روزی قبول مسئولیت زمامداری یا مسئولیت وزارت را میکند بر او شرط و لازم است که اول بدانند چه میخواهد بکند و قبول چه مسئولیتی می کند بدشراکت کند. بیک کسی بگوئید آقا یا آشنیزی بکنی وار از آشنیزی سر رشته نداشته باشد این بی انصافی است اگر هم رفت غیر از مملکت مادر یک جایی، دوسه روزی ده روزی کار کرد بعد از چند روز یک ۷۰، ۸۰ تومان باو میدهند و روانه اش میکنند و میگویند بعد خبرت میکنیم متأسفانه کسانی که در این مملکت در سالیان دراز قبول مسئولیت کرده اند بسیاری از آنها میدانستند ولی نخواستند وقت خودشان را صرف بکنند، بازی بهر جهت کردند آنچه کردند گفتند خوب حالا میرویم آنجا و بر میگردیم میروند یک چندتا ورقه هم امضاء میکنند و آخر هم میگویند که این تصویب نامه را ما واقعاً نخواندیم راست میگوئید یکی دیگر از آقایان همانطور سر بانی امضاء میکنند و میروند بعد باو میگویند در جواب گفته میشود که فلانی داد و ما امضاء کردیم رسم است البته میگویند که رفیقان که نمیخواهد کلاه سرما بگذارد صحیح است ولی گاهی هم ناصحیح در میآید بعد هم دیدید که یک چیزی فاعده است. شما آقایان اینجا کشته اید اولاً عقیده بنده این است که کسی بشما رای نمیدهد و اگر مفروض باینکه اگر یک چنین عمل گناهی شد شما باید بدانید که برای این مملکت باید خدمت بکنید، تمام اعمال شما اگر امروز دادرسی ندارد روزی خواهد آمد که دادرسی خواهد شد من مکرر گفته ام آن روز اگر باین زودی هم که شما خیال میکنید نیست بآن دیری هاهم نیست. میرسد، مقام محترم ریاست که من کمال احترام را بایشان دارم دستور نفرمودند که استیضاح بنده را بکنند دیگر قرائت کنند تا معلوم بشود که سه ماده است و یکی از موارد استیضاح بنده نفت بود در سیاست عمومی دولت مطالبی که بنده گفتم مربوط باستیضاح بود اما من چون واقفم باینکه میخواهم که هم مجلس منظم باشد و نسبت بایشان هم مخصوصاً چون این ایام بسیار ارادت دارم این است که به هیچ صورتی میل ندارم مخالف نظر ایشان عملی بشود و عقیده دارم که مجلس شورای ملی باید بر رئیس خودش کمال احترام را داشته باشد (نمایندگان - صحیح است) و بالاخره این مجلس نماینده واقعی این ملت باشد حالا اگر آقایان و کلاه قدر خودشان را ندانند و ندانند که چه گوهر گرانبهائی در دستشان است اختیاریش با خود آقایان

است ( فولادوند - ما کمال احترام و تعظیم را بر رئیس مجلس داریم) ( نمایندگان - صحیح است) آقایان نمایندگان اگر فکر کنید مردمی انسان دوست در نقاط مختلفه عالم نشسته اند و ملت های خودشان را فدا و نثار مردم دیگری میکنند، از دارائی خودشان صرف نظر میکنند که دیگران آسایش و راحتی داشته باشند همچو چیزی وجود ندارد این فکری است که کم و بیش از سادگی مردم ما ناشی میشود این طرز نیست در دنیا امروز هیچکس حاضر نیست منافع کشور خودش را، دارائی خودش را مردم وطن خودش را بزرحت بیندازد برای یک مردم دیگری مگر اینکه منفعتی در آنجا داشته باشد، البته بعضی از دولت ها هستند منافشان تماس پیدا میکنند و روی آن منافع یک قدمهائی بر میدارند ولی ما باید بند بگیریم از حوادثی که می بینیم در گیتی بوجود می آید، می بینیم که روزی منافع کشور های بزرگ اینطور می خواست که دولت آسمانی چین با این که دوسال هم از جنگ جهانی گذشت بعد از ۲۳ سال جنگ را ادامه بدهد هزار میلیون دلار هم خرج کردند اما روزی آمد که دیدند دیگر منافشان افتضا نمیکند و آنها را هم در پناه خدای متعال فرستادند و الان می بینیم سلی که از شمال شرقی آسیا سر از بر شده است تمام سرزمین یازده میلیون کیلو متر مربع که مساحت چین و مغولستان خارجی است فرا گرفته است، این موضوع برای ما یک درس عبرتی هست که باید سیاست مداران ما بدانند که هیچ قسمی جز حفظ منفعت و استقلال کشور ایران و هیچ حرفی سواي این که منفعت ایران باشد نبایستی فریب حرفهای ظاهری را بخورند و بغیال این که یک اشخاصی بما کمک میکنند (نمایندگان - صحیح است، احسن است) یک قدمهائی برای ما بر میدارند یک وضعیت خاص و غیر مطبوعی برای مردم بدبخت و فلک زده این کشور تهیه کنند و بعد خودشان هم که فرصتی داشتند حرکت کنند و بروند اگر چه در این سرزمین ما هم دیگران در خاک و خون بیفتند (آشتیانی زاده - صحیح است) من بجهت تکریم مردم که مادر سیاست خارجی لازم میدانیم که بایستی با همسایه شمالی خودمان اتحاد جماهیر شوروی که ۲۷۰۰ کیلو متر با او هم خاک هستیم روی اساس استقلال و شرایط متقابل ما بایستی درستی او را جلب کنیم و کدورت هائی اگر هست مرتفع کنیم ( نمایندگان - صحیح است) این صلاح ملت ایران است و اگر به عقیده من ما و دولت های ما توانستند سیاست موازنه را حفظ کنند بعضی این که فهمیده شود و مسلم باشد که این امر صورت خارجی دارد و بنده خیال می کنم این امر امکان پذیر هست و همچنین ما بایستی روابط خودمان را با ممالک متحده امریکای شمالی و انگلستان بر روی همین پایه و اساس متقابل و تساوی نگاهداری کنیم و بحکم همین فرضیه است که میگویم امروز بایستی این قرارداد ملنی و کان لم یکن شناخته شود (نمایندگان - صحیح است) تا در آسمان دوستی و مودت ایران و انگلستان دیگر ابر کدورتی باقی نماند، چون ملت ایران نمیتواند تحمل بکند ما یک دولت باید داشته باشیم اشخاص دیگری که خودسرانه در داخله کشور تصدی امور را دارند و آنها برخلاف مصالح عمومی اقدامی میکنند که رئیس دولت بگوید من هنوز از موضوع

خبر نداشتم این اشخاص نمی‌توانند تصدی امور باشند دولت باید سیاست هاله عمومی کشور را بگرداند و نمیتواند اگر تصدی امری در يك كار خطا کرد دخالت نکند و باو نگوید و بعد خود دولت هم از آن قضیه اظهار بی‌اطلاعی بکند ، موضوع دوهزار میلیون ریال اسکناس که باید چاپ بشود اصولاً من کار ندارم دولت اگر يك وقتی با مسئولیت خودش گفت من میخواهم اسکناسی چاپ کنم مجلس شورای ملی هم تصویب کرد ما داخل آن بحث نمیشویم اما آقا تا وقتی که چنین امری نشده است بهیچ صورت نیابستی در يك کنفرانس يك نفر رئیس بانکی بگوید که بانک همچو کاری بیخواد بکند ، شما مگر چکاره هستید ؟ شما کارتان فقط صرافی است برای چاپ اسکناس دولت باید تصمیم بگیرد مجلس باید تصویب کند و بعداً باو بگوید آقا این قدر اسکناس چاپ بکنید ( نمایندگان - صحیح است ) ایها که عرض میکنم همه نقش تشکیلات ما است و بالاخره ضرف دولت های ما که حکایت میکنند که دولت های ما

قادر نیستند بارگران این مملکت را بکشند و روز بروز بر بدبختی این مردم اضافه میکنند ( رحیمیان - صحیح است ) و همین رئیس بانک اگر رئیس دولت بود و شما بجای او بودید اجازه مداخله نمیداد . ( مکی - دولت در داخل دولت تشکیل داده اند ) شما مدت ها است که صحبت از برنامه میکنید بنده هم از مخالفین برنامه هستم کاری باو ندارم ممکن است بنده در مخالفت بازم حرفهایم را هم بزنم اکثریت مجلس هم بگوید که اینطور نیست . اما شما آمده اید و قدمی برداشته اید و مطالعه میخواهید بکنید چند صد هزار دلار هم این روزها خرج میکنید مأمور خواسته اید متخصص خواسته اید متخصص شما از يك طرف وارد شده است و از طرف دیگر رئیس برنامه را برداشته اید و همچنین اعضاء برنامه شما استعفاء کرده اند و روزی چند هزار دلار هم دارید خرج میکنید ( نمایندگان - صحیح است ) ( دکتر امینی صفا اینکار را کردند که برنامه اجرا نشود ) اگر اینطور باشد من حرفی ندارم آقای مکی آن ورقه را آقا بدهید بیاورند بدهند ببینند ( مکی - هنوز امضاهايش

تمام نشده است ) باشد بدهید بیاورند من کاری ندارم  
رئیس - آقای اسکندری اگر امضایش تمام باشد باید بدهید اینجا قرائت بشود .  
اسکندری - تغییر امضایش تمام نشده

#### ۴- موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - آقای اسکندری يك پیشنهادی رسیده است برای ختم جلسه يك ساعت هم از ظهر گذشته است .

اسکندری - بنده تمنی میکنم که بعد از ظهر جلسه بفرمائید تشکیل شود . ممکن است يك ساعت سه ربع دیگر تمام شود .

#### بعضی از نمایندگان - ه شنبه .

رئیس - جلسه آینده روز پنج شنبه ساعت ۹ ( در اینموقع مجلس يكساعت بعد از ظهر ختم شد )  
رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت